



تبیین مولفه ها و امکان سنجی تحقق رویکرد جایگزینی اقشار اجتماعی در بافت های تاریخی نمونه موردی: محله اوچدکان اردبیل

۱- سیده زیبا عقیلی*، ۲- ناصر بنیادی

۱- کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، پونک، بلوار امام حسن مجتبی، مجتمع دانشگاهی نیایش، ۹۱۴۶۱۹۴۵۰۰، Ziba.aghili@gmail.com

۲- دکترای شهرسازی، استادیار پایه ۵، عضو هیات علمی مرکز تحقیقات وزارت راه، مسکن و شهرسازی، تهران، بزرگراه شیخ فضل‌ا... نوری، جنب شهرک فرهنگیان، خیابان نارگل، خیابان شهید علی مروی، خیابان حکمت، ۹۱۲۱۵۹۲۳۵۷، nb2713740@yahoo.com

این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری سیده زیبا عقیلی با عنوان باز زنده سازی محله اوچدکان اردبیل در تقابل دو رویکرد جایگزینی اقشار اجتماعی و ماندگاری ساکنین با راهنمایی دکتر ناصر بنیادی در تابستان ۹۵ استخراج شده است.

چکیده

خالی شدن محله‌های کهن و قدیمی شهری از ساکنان اصلی آن باعث جایگزین شدن افراد با سطح درآمد و فرهنگ پایین می‌شود که پیامدهای بسیاری از جمله ایجاد کانون‌های بزهکاری، از بین رفتن هویت و ... از یک سو و رشد روزافزون شهرک‌ها و گسترش افقی شهرها و تأمین زیرساخت‌ها از سوی دیگر به دنبال دارد. بنابراین مداخله صحیح و بازگرداندن مجموعه به چرخه زندگی شهری لازم و ضروری می‌باشد. یکی از این رویکردها جایگزینی اقشار اجتماعی می‌باشد. این رویکرد هم بر اصلاح مسکن و مطلوب سازی محیط مسکونی، و هم به تغییر در ساختار اجتماعی و اقتصادی ساکنین اشاره می‌کند. پژوهش حاضر سعی دارد که با تعریف رویکرد جایگزینی اقشار اجتماعی، شاخص‌ها و معیارهای این رویکرد را استخراج نموده و سپس با توجه به مولفه‌ها امکان تحقق این رویکرد را در نمونه موردی محله اوچدکان اردبیل بسنجد. ماهیت پژوهش، کاربردی و روش انجام آن، توصیفی-تحلیلی و علی است. گردآوری مطالب، بر اساس مطالعات اسنادی و مشاهده مستقیم می‌باشد. با توجه به نتایج آزمون T تک نمونه‌ای و پایین بودن مقدار معناداری فرضیه از سطح خطا ($0.05 < 0.00$) و همچنین مثبت بودن حد بالا و پائین فاصله اطمینان، ادعای پژوهش مبنی بر نامناسب بودن جایگزینی اقشار اجتماعی و عدم تحقق آن اثبات می‌شود.



کلیدواژه: باز زنده سازی، جایگزینی اقشار اجتماعی، بافت تاریخی، محله اوچدکان

۱- مقدمه

بسیاری از شهرهای کشور ما با پدیده فرسایش محله‌های شهری مواجه‌اند. نمود عینی این فرسایش اُفت زندگی اجتماعی در این بافت‌هاست. عوارض فرسایش به صورت نیمه متروک و متروک شدن بناها، مسکن‌های نامناسب و نابهنجار و نزول کیفیت‌های اقتصادی - اجتماعی پدیدار می‌شود. قسمت عمده این فضاها که گذشته تاریخی زندگی اجتماعی گروه‌هایی را در برمی‌گیرد که باگذشت زمان بالندگی خود را ازدست‌داده و دستخوش فرسودگی شده‌اند، و این فرایند شهرها را از درون می‌پوساند. درواقع به دنبال تحول در شیوه زندگی و سکونتگاه‌های کنونی، به‌خصوص در پی تغییر نیاز به خدمات گوناگون و نیازهای حاصل از تحولات در طی زمان از - جمله نیاز به زیرساخت‌های حمل‌ونقل، دسترسی به تأسیسات و تسهیلات و ... - محله‌های کهن و قدیمی شهری به دلیل وفق نیافتن با شرایط جدید، دچار چنین روندی می‌شوند.

نتیجه این روند کاهش انگیزه سکونت و ماندگاری و مهاجرت به شهرک‌های تازه تأسیس شده می‌باشد. خالی شدن این بافت‌ها از ساکنان اصلی آن باعث جایگزین شدن افراد با سطح درآمد و فرهنگ پایین شده که این مسئله پیامدهای بسیاری ازجمله ایجاد کانون‌های بزهکاری، از بین رفتن هویت و ... خواهد شد. از سوی دیگر رشد روزافزون شهرک‌ها و درنتیجه گسترش بی‌رویه شهرها مشکلات دیگری ازجمله حمل‌ونقل و تأمین زیرساخت‌ها را به دنبال دارد. در چنین شرایطی لازم است با استفاده از سیاست‌های مناسب به باز زنده سازی و بازگرداندن مجموعه به چرخه زندگی شهری پرداخت. ازجمله رویکردهای مهم در این زمینه «جایگزینی اقشار اجتماعی» می‌باشد که طبق آن علاوه بر اصلاح مسکن و مطلوب سازی محیط مسکونی به تغییر در ترکیب واحدهای همسایگی و گروه‌های درآمدی ساکن می‌پردازد که به ایجاد تعادل در محله کمک خواهد کرد.

مسئله‌ای که تشریح شد؛ در بافت تاریخی و کهن محله اوچدکان اردبیل مشهود است. محله اوچدکان یکی از محلات قدیمی شش‌گانه اردبیل و نیز محله‌ای است که چند بنای معتبر و مهم تاریخی ازجمله بسیاری از خانه‌های تاریخی قدیمی اردبیل در آن واقع شده است. محله اوچدکان به واسطه نزدیکی به بازار و جمعه مسجد و دارا بودن افراد متنوع و شخصیت‌های اجتماعی درگذشته و حال موردتوجه بوده است. موقعیت محله و شلوغی بیش‌ازحد در ساعات روز، فرسودگی کالبدی، ناکارآمدی شبکه معابر، وجود کاربری‌های نامناسب (تجمع مطب پزشکان و ...) و به‌طور خلاصه عدم پاسخگویی به نیازهای روز سبب نارضایتی ساکنان از محله و درنتیجه ترک محله شده است. ازاین‌رو با توجه به فرضیات پژوهش و مطالعات ساختار اجتماعی و اقتصادی محله، جایگزینی اقشار اجتماعی را در این محله نامناسب می‌داند. ازاین‌رو بعد از تحقیق در خصوص مبانی نظری و استخراج معیارها و رویکردهای جایگزینی اقشار اجتماعی با استفاده از پرسشنامه و آزمون T به اثبات فرضیه پرداخته و با توجه اثبات فرضیه پژوهش در خصوص نامناسب بودن رویکرد جایگزینی اقشار اجتماعی، بدنبال ارائه راهبردهایی در جهت بهبود کیفیت سکونت در محله و و افزایش ماندگاری ساکنین ارائه داده است.